

بررسی واژه‌ی رحمت از دیدگاه‌های مختلف

دکتر کرم عبادی

عضو هیات علمی واحد مرند

چکیده

رحمت الهی یکی از مهمترین مسائل حیات آدمی است. چرا که آفرینش مرهون رحمت الهی است و تمامی آفریده‌های خدا مشمول لطف و عنایت حق تعالی هستند، خاصه انسان که دارای کرامت خاصی است و آئینه تمام‌نمای حق می‌باشد و رحمت الهی را در باره او نهایی نیست. با عنایت به اهمیت الهی، این مقاله بر آنست که بر اساس روش تحقیق توصیفی و با بهره‌گیری از شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای و با الهام از مفاهیم عالیه ادبی و اخلاقی و عرفانی، آن موضوع را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده، به این امید که این معرفت در کاشتن بذر امید و نشاط و افزایش شوق ایمان و بندگی و وصول به سعادت و کمال انسانی مفید واقع گردد.

واژه‌های کلیدی :

رحمت ، رحیم ، رحمان ، رحمت عام و خاص، رحمت ذاتی و صفاتی.

مقدمه :

زمانیکه اراده خداوندی بر آن تعلق گرفت که موجودات را بیافریند، نور رحمت او شروع به تابش نمود و در پرتو آن مخلوقات بی‌شماری با تنوع بسیار

آفریده شدند و این آفرینش همچنان ادامه دارد و جهان هر لحظه با خلقی نو مواجه است:

هر زمان مبدل شود چون نقش جان نوبه نو بیند جهانی در عیان

گرچه تمامی آفریده‌های خدا از این جهت که مشمول عنایت، لطف و علم خدا هستند، در نوع خود بهترین هستند و نظام آفرینش، نظام احسن است. ولی انسان دارای قداست و کرامت خاصی است، زیرا اوست که آئینهٔ جمال نمای حق است و اوست که خدا خود را در او به تماشا می‌نشیند و نظاره‌گر خود می‌گردد. محیی الدین ابن عربی^(۱) گوید: خدا چنین خواست که از دریچه‌ی اسماء حسنی خویش که به شماره در نمی‌آیند که به تماشا بنشیند حقایق اسماء را، اگر مایلی بگو که به تماشای خود بنشیند در پدیده‌ای فراگیر که همه این حقایق را در خود فراهم آورده باشد، و از این راه راز حق برخودش ظاهر شود.^(۲)

این پدیده‌ی فراگیر که همه‌ی حقایق اسماء الهی را در خود فراهم آورده و آئینه‌ی تمام نمای حق گشته، انسان کامل است و رحمت الهی را نسبت به او نهایی نیست. او را با دست خود آفرید: «خَمِرْتُ طِينَتَ آدَمَ بِيَدِي»^(۳) گسل آدم را با دست خود سرشتم و به صورت خود آفرید: «خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ عَلَي صَوْرَتِهِ»^(۴) و او را شایستگی مقام خلافت و جانشینی خود بخشید: «أَتَى جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^(۵) و در بهترین جایها یعنی بهشت آفرید و نعمتهایی را برای او فراهم آورد که به موجب یک حدیث قدسی، نه چشمی آنرا دیده و نه گوشی آنرا شنیده و نه از دل کسی گذشته است و او را مسجود ملائکه گردانید و زمانیکه به مقتضای بشریت و بنا به حکمت الهی دچار لغزش و عصیان گردید و از بهشت برین به این کرهٔ خاکی هبوط کرد، خداوند رحمت خود را از او دریغ نکرد و

بلکه با گشودن در توبه او را مورد مرحمت و بخشایش قرار داد و بدینسان توبه بایی گشت برای انسان که هرگاه در فراز و نشیب زندگی مرتکب گناه و اشتباه گردد، از رحمت الهی نا امید نشود، زیرا خداوند توبه اور را می‌پذیرد، و چنان گناه را پاک می‌کند که گویی گناهی انجام نداده است: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ» (۶) و یکی از درهای هشتگانه بهشت که همواره باز است در توبه است.

و آنگاه خداوند پیامبرانی را برای هدایت و راهنمایی انسان مبعوث فرمود که حامل وحی الهی و پیام آور رحمت بودند، بخصوص وجود مقدس نبی اکرم «ص» که رحمتی است برای عالمیان و نسبت به مؤمنین رئوف و مهربان. حق تعالی در کتب آسمانی خود، بخصوص قرآن مجید که کاملترین و آخرین آنهاست، بارها بر رحمت خود تأکید فرموده است. قرآن پیام عنایت، هدایت و رحمت الهی است. بموجب آیات قرآنی، خداوند، رحمت را بخود الزام فرموده: «كَتَبَ عَلَيَّ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ»^(۷) رحمت او فراگیر و نوری است که سراسر هستی را در برگرفته است: «وَرَحْمَتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^(۸).

و نیز از جلوه‌های رحمت الهی، اولیاء حق و عارفانند که وجودشان سراسر رحمت است و همنشینی با آنان، همچون همنشینی با خداست:

هر که خواهد همنشینی با خدا گو نشین اندر حضور اولیا

و همچنین نجات انسانها تنها در پناه رحمت حق تعالی است، چنانکه حضرت رسول اکرم «ص» فرمود: «نرهد یکی از شما به عمل خود، گفتند: تو نیز نرهی به عمل خود یا رسول الله. گفت: من نیز نرهم جز آنکه خدای تعالی بر من رحم کند.»

البته رحمت الهی به موارد ذکر شده‌ی فوق محدود نمی‌گردد، زیرا همسوی وجود رحمت است که: «الوجود کُلُّهُ رَحْمَةٌ». ولذا اهمیت مسئله ایجاب می‌کند که واژه رحمت از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی و تحقیق قرار بگیرد، تا با فهم عمیق و همه جانبه معنای آن، خود را معرض نسیم رحمت الهی قرار برده‌یم و هرچه بیشتر از مواهب آن بهره‌مند گردیم و در جهت سعادت و کمال خود گام برداریم و مقاله حاضر کوششی است در این راستا.

معانی واژه رحمت و مشتقات آن

رحمت مأخوذ از تازی است و به معنی بخشایش و مهربانی و مرحمت و شفقت و عفو و مغفرت و آمرزش و باران.^(۹)

گر ایزد ز حکمت بیند دری ز رحمت گشاید در دیگری

همچنین رحمت به معنی نبوت آمده است؛ قوله تعالی: «يُخْتَصُّ بِرَحْمَتِي مَنْ يَشَاءُ»^(۱۰)

در لسان العرب، رحمت در مورد انسان به معنی نرم دلی و عطوفت و رحمت خدا به معنی عطوفت و نیکی و رزق است.^(۱۱)

راغب اصفهانی در مفردات گوید: رحمت از جانب خدا، انعام و تفضل و از آدمیان مهربانی و عاطفه است.^(۱۲)

در کشاف اصطلاحات الفنون آمده است که رحمت لغتی است بمعنی رقت قلب و انعطاف که اقتضای تفضل و احسان دارد.^(۱۳)

رحمه للعالمین به معنی بخشایش و مایه غفران و آمرزش جهانیان.

جمله دانایان همین گفتند همین هست دانا رحمة للعالمین

رحموت مشتق از رحمت است و آن رحمت از جهت مبالغه است، چنانکه ملائکه را ملکوت گویند.^(۱۴)

رحم به معنی مهربانی و بخشایش و عطف و شفقت و غمخواری و نرم دلی است.

خدا را رحمی ای منعم که درویش سرکویت درمی دیگر نمی‌داند رهی دیگر نمی‌گیرد
(حافظ)

رحیم به معنی رحم کننده و بخشایشگر است و رحماء جمع رحیم است. رحمان به معنی بخشاینده است. رحمانی منسوب به رحمن به معنی خدایی و ربّانی.^(۱۵)

رحمان و رحیم دو اسم مشتق از رحمت باشند. رحمن از رحیم مخصوص‌تر است و از این لحاظ جز خدا را به این اسم نمی‌نامند، اما رحمن بر دیگری نیز اطلاق می‌شود، سزاوارتر است نوعی رحمت که از مقدمات عبادت دور باشد، فهمیده شود و آن متعلق به سعادت اخروی است. پس رحمان به بندگانش مهربان است :
اولاً : به ایجاد.

ثانیاً : به هدایت به سوی ایمان و وسایل سعادت .

ثالثاً : به خوشبخت کردن بندگان در آخرت .

رابعاً : به اتمام و بخشش بزرگ بوسیله لقاء و نظر به وجه بزرگوار حق تعالی.^(۱۶)

میرزا جواد ملکی تبریزی در اسرار الصلوه می‌گوید : رحمانیت حق تعالی

که مسئله ایجاد را شامل می‌شود مسئله عامی است که نیک و بد را در بر می‌گیرد ولی رحیمیت او که هدایت او می‌باشد که اختصاص به مؤمنین دارد.^(۱۷)

و گفته‌اند که رحمت رحمان به معنی روزی دانست که عمومیت دارد نسبت به نیک و بد مؤمن و کافر و رحمت رحیم به معنی آمرزش است که اختصاص یافته به اهل ایمان، و در هر دو رحمت معنی عافیت مندرج است، یکی عافیت دنیوی و دیگری عافیت اخروی، پس رحمت رحیمیت را با وجود خصوصیات به مؤمنان عام باید دانست بر مجموع ایشان، مطیعان را به قبول حسنات و عاصیان را به محو سیئات، اگر محسنون به وسیله عبادت مترصد نزول رحمتند، مجرمان و مفلسان نیز به ذریعه بیچارگی و نیازمندی، امیدوار این موهبتند.

و جمعی بر این شده‌اند که، رحمن بسیار رحمتست و رحیم دائم رحمتست، و از این جهت است که رحمت رحیمیت را به آخرت که دار بقاء و دوامست مخصوص داشته‌اند مخصوص داشته‌اند و این نیز گفته‌اند، رحمن است که از گناهکار به رحمت خود درگذراند، رحیمست که به برکت شفاعت مصطفی، صلی الله علیه و اله و سلم، او را به دولت آمرزش رساند.

آن نیز گفته‌اند که معنی، رحمت اراده حق است ایصال خیر و دفع شر را و اگر اراده نبودی هیچ موجودی از پس پرده عدم روی ننمودی چه «الوجود خیر کُلّه» پس رحمت از صفات ذاتیه است.

در روح الارواح آورده که الله دلالت بر قدرت سرمدی دارد و رحمن بر رحمت ابدی، چون با یکدیگر جمع آید، دانی که کدرت مشتی خاکی در میان پدید ناید و چون دریای رحمت با یکدیگر برآرد خس و خاشاک زلل و معاصی ناپود گردد.

اندم که بحر رحمت، موج کرم برآرد از لجهی^(۱۸) معاصی گرد عدم برآرد

دیگری آورده که حق تعالی خود را رحمان و رحیم نهاد و این دو اسم را دو جا در کلام خود ایراد نموده پس از رحمت کی روا دارد که رحمت نکند.^(۱۹) در شرح تعرف آمده که رحمن و رحیم از یک معنی اشتقاق یافته است و آن رحمت است و رحمان بر وزن فعلان از رحمت بود و رحیم به وزن فعیل هم از رحمت بود. لکن رحمان خاص تر است [به لفظ] بدان معنی که خداوند را رحمن گویند و کس دیگر را رحمن نگویند. اما مخلوقان را رحیم گویند لکن رحمن به معنی این بود که بسیار رحمت است و بی‌شمار رحمت، و رحمت او پیوسته است، منقطع نگردد و به همه خلق رسیده است. و در تأویل^(۲۰) این دو نام سخن بسیار گفته‌اند:

گروهی گفته‌اند: رحمن است در دنیا و رحیم است در آخرت^(۲۱) و گروهی گفته‌اند: رحمن توفیق بر طاعت است و رحیم به نگهداری از معصیت. و گروهی گفته‌اند: رحمن است به پذیرش طاعت و رحیم به آمرزش معصیت. و گروهی گفته‌اند: بخشاینده است در ازل و بخشایشگر است در ابد.^(۲۲)

شبلی (از اکابر مشایخ صوفیه بغداد) را گفتند ندانی که رحمن است گفت دانم و لیکن تا رحمت وی بدانسته‌ام هرگز نخواستهم تا بر من رحمت کند.^(۲۳)

صاحب کشف الاسرار می‌فرماید: رحمن است که راه مزدوری آسان کند، رحیم است که شمع دوستی برافزود. در راه دوستان مزدور همیشه رنجور، در آرزوی حور و قصور، و دوست خود در بحر عیان غرقه نور.

روزی که مرا وصل تو در چنگ آید از حال بهشتیان مرا ننگ آید^(۲۴)

هر دو نام (رحمن و رحیم) بخشایش و مهربانی و رحمت راست، و رحمن بلیغ‌تر است و تمام‌تر که همه انواع رحمت در ضمن آنست، چون رأفت و شفقت و حنان و لطف و عطف. از اینجاست که نام خاص خداوند است و مطلق او را سزاست. (۲۵)

شاه نعمت الله ولی قدس سره (از عرفا و شعرای بنام ایران) در رساله‌های خود آورده :

الرحمن : اسم حق است به اعتبار جمعیت اسمائیه در حضرت الهیه که از این حضرت افزه می‌فرماید وجود و هرچه تابع وجود است از کمالات بر جمیع ممکنات .

وجود او می‌دهد وجود به ما لطف او از کرم نمود به ما
همه عالم به رحمتش مرحوم در رحمت چنین گشود به ما

الرحیم : اسم حق است به اعتبار کمالات معنویه بر اهل ایمان چون معرفت و توحید.

رحمت خاص او دری بگشاید علم و توحید ، مؤمنان را داد (۲۶)

تلقى ابن عربی از رحمت الهی

مقصود ابن عربی از کلمه رحمت برابر روش ویژه خود، معنای اخلاقی آن، یعنی ایصال خیر و دفع شر یا شفقت بر بندگان و یا آمرزش گناه گناه‌کاران نیست، بلکه وجود عام و شامل است که شامل بر همه امور و اشیاست. (۲۷) چنانکه می‌گوید : مردم عادی امری را رحمت می‌دانند که مناسب و ملایم با طباع و اغراضشان باشد و اگر چه آن امر در واقع موجب زیان و عامل شقاوت باشد،

ولی عارف این چنین نباشد، که می‌داند رحمت الهی گاهی به صورت مکروه آید، مانند شرب دوائی بد طعم و بدبو که برای بیمار مکروه می‌نماید، در حالی شفای وی مبطون در آن است. خلاصه سخن وی در این مقام این است که: رحمت الهی در همه عالم ساری و جاری است و همه بندگان او از جن و انس، مطیع و عاصی، کافر و مؤمن، جماد و نبات و حیوان از آن، مرزوق و به آن مرحومند، و از اقتضای این رحمت است مهر مادران به فرزندان‌شان. و بالاخره باید گفت:

«الوجودُ كُلُّهُ رَحْمَةٌ» (۲۸)

رحمت عام و رحمت خاص

رحمت عام یا رحمت رحمانی مدلول اسم الرحمن است و همان وجود عام است که شامل جمیع اشیاست، و همان نور است که در آیه مبارکه: «اللَّهُ نُورٌ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» (۲۹) مذکور است. و به برکت آن، اشیا از ظلمت نیستی در عرصه هستی ظهور می‌یابند.

کاشانی (شارح آثار و عقاید ابن عربی) می‌نویسد: امام محقق جعفر بن محمد الصادق - علیه السلام - به این رحمت اشاره کرده، آنجا که فرموده است: «الرَّحْمَنُ» اسمی است مختص به خدا اما به صفت عام، یعنی با اینکه شامل کل است، مخصوص خداوند است، زیرا برای غیر او ممکن نیست که واسع کل باشد، و آیات «رَحْمَتِي وَسَعَتْ كُلُّ شَيْءٍ» (۳۰) و «رَبَّنَا وَسَعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عَلَمًا» (۳۱) ناظر به این نوع رحمت است.

اما رحمت خاص یا رحمت رحیمیه خاص که مدلول اسم الرحیم است، ممکن است یکی از این دو رحمت زیر باشد :

اول اعطای وجود به اقتضای طبیعت اعیان^(۳۲) ... وجود خاص را بر آنها اعطا فرماید. و مقصود از رحمت در آیه: « كَتَبَ عَلَي نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ »^(۳۳) همین رحمت باشد.

دوم اعطای رحمت است بحسب افعال بندگان.^(۳۴) البته ظاهراً اگر چه بنده به حسب عمل خود ایجاد رحمت می‌کند بر حق، اما در حقیقت این ایجاب بر طریق فضل و مَبْتَّ است از حق بر عبادش.^(۳۵)

رحمت ذاتی مطلق امتنانی و تقیدی شرطی

رحمت ذاتی مطلق امتنانی رحمتی است که تمام اشیاء را فرا گرفته است و از حکم ساری آن در ذوات، رحمت شیء است به نفس خودش، و در آن از جانب هر رحیمی (رحمت کننده‌ای) به نفس خود به سبب احسان و نیکی و یا اسائت و بدی به صورت انتقام و قهر و غلبه واقع می‌گردد، برای اینکه تمام اینها از جانب محسن و منتقم (نیکو کار و کینه‌کش) رحمت به نفس خودش است، و از حیث این رحمت، حق تعالی خویش را به «حب» و شدت شوق به ملاقات و دیدار دوستانش توصیف فرموده، و این محبت به سبب این رحمت را نه برایش سببی هست و نه موجبی و نه در مقابل چیزی از صفات و افعال و غیر این دو می‌باشد، و رابعه^(۳۶) رضی الله عنها در سخنش به این محبت اشاره دارد که :

دوست دارم ترا دو دوست داشتن، یکی دوستی هوی (عشق ورزیدن به تو) و دوست داشتن دیگر آن که شایسته‌ی آنی (سزاوار دوست داشتن) و اما آن که دوستی هوای (و عشق ورزیدن به تو) است. مشغول بودم به یاد و ذکر تو از هرکس که غیر تو است (مرا فراموش شده) و اما آن دوست داشتن که تو سزاوار آنی. کنار زدن تو مر حجابها و پرده‌ها راست تا آن که ترا بینم. مرا نه در در آن (درد و عشق) مدحی نیست. و ترا هم در این و هم در آن ستایش و سپاس است. (چون هر دو نخست از تو سرزده است) (۳۷)

پس دوستی هوی و عشق ورزیدن به سبب مناسبت ذاتی، علت و انگیزه‌ای جز ذات ندارد. و اما دوست داشتن اینکه سزاوار آنی، سببش که نتیجه‌ی آنست عبارت از علم به اهل و شایسته بودن است و از صورتهای احسان (نیکی کردن) خاص این رحمت، هر عطا و بخششی است که بدون درخواست و یا نیاز و یا سابقه‌ی حقی و یا استحقاق وصفی ثابت برای عطا گیرنده و یا مطلقاً حال پسندیده‌ای که وی بر آن است واقع می‌گردد و از تخصیص‌های آن، درجات و خیراتی است که برای گروهی به واسطه‌ی سز در بهشت حاصل است و نزد همگان به نام عنایت نامیده می‌شود که نه بواسطه‌ی عملی است و نه به سبب خیر و نیکی که پیش فرستاده باشند.

و رحمت دیگری (غیر از رحمت اولی) که رحمت ذاتی مطلق امتنانی بود و تمام اشیاء را فرا گرفته است می‌باشد که فایض و نازل از رحمت ذاتی است و از آن به واسطه قیدهایی که از آن جمله «نوشتن» است جدایی دارد، چنانکه خداوند می‌فرماید: «كُتِبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِ الرَّحْمَةِ»

یعنی پروردگار شما رحمت بر خویش نوشته (مقرر داشته) است و آن مقید است و بستگی به شرطهایی از اعمال و احوال و غیر اینها دارد. (۳۹)

رحمت خاص ذاتی و صفاتی

رحمت خاص ذاتی: آن عبارت است از عنایت که به نام قدم صدق (۴۰) نیز نامیده می‌شود، که از آثار حب حق تعالی است نسبت به بعضی از بندگانش بدون انگیزه و موجبی معلوم و مشخص از علم و یا عمل و یا غیر اینها از اسباب و وسایل، و خداوند در باره حضرت خضر «ع» به آن رحمت خاص ذاتی اشاره کرده فرموده است: «أَتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ غَدْنَا وَعَلَّمْنَاهُ مَنْ لَدْنَا عِلْمًا». (۴۱) از جانب خویش رحمتی بدو داده بودیم و از نزد خویش دانشی به او آموخته بودیم.

و اما رحمت خاص صفاتی که حکم آن دو بخش می‌گردد: قسم موقت و قسم غیر موقت.

قسم موقت اختصاص به اهل سعادت دارد، آنان که در بیشتر حالات و اوقاتشان به هدف و مقصودشان در دنیا نه آخرت رسیده‌اند.

و اما رحمت خاص غیر موقتی: آن اختصاص به اهل بهشت دارد، زیرا نعمت و خوشی آنان ابدی و جاودانه است، بلکه خداوند می‌فرماید: «عَطَاءٌ غَيْرٌ مُجْدُوذٌ» [هود / ۱۰۸: بخششی قطع نشدنی است]. (۴۲)

تجلی رحمانی و تجلی رحیمی

تجلی ظهوری بر دو نوع واقع است یکی عام و دیگری خاص، عام را تجلی رحمانی می‌نامند که افاضه وجود بر تمام موجودات فرموده و درین تجلی همه موجودات مساویند و این رحمت را امتنانی می‌خوانند چه به محض منت و عنایت بی سابقه عمل بر اشیا افاضه این رحمت فرموده و فضل عبارت از این تجلی است و هر دو عالم را که عبارت از غیب و شهادت و دنیا و عقبی است بدین تجلی به انوار وجود روشن ساخته.

این بسود هر ذوات را شامل	ناقص از وی برابر کامل
کافر و کفر و مؤمن و ایمان	همه را اندرو مساری دان

و تجلی دوم را که خاص است رحیمی می‌گویند که فیضان کمالات معنویه بر مؤمنان و صدیقان و ارباب قلوب می‌فرماید مثل معرفت و توحید و رضا و تسلیم و توکل و متابعت اوامر واجب ثابت و اجتناب از مناهی و نواهی و از این تجلی تعبیر به فیض نموده و در این تجلی کافر از مؤمن و عاصی از مطیع و ناقص از کامل ممتاز گشته است و این فیض خاص است که طبیعت انسان را گلشن گردانیده و صد هزار گل رنگارنگ خوشبوی معارف و حقایق در آن گلشن شکوفانیده است.^(۴۳)

نتیجه گیری

نتیجه حاصل از این تحقیق بیانگر وسعت و گستردگی بی حد رحمت الهی است که تمام ذرات وجود را دربر گرفته و نیز نشانگر عنایت، شفقت، لطف و رحمت حق تعالی بر انسان این مخلوق برگزیده او، خاصه بر مؤمنان و صدیقان و ارباب قلوب می‌باشد. این معرفت موجب می‌گردد که آدمی همواره خود در معرض امواج بیکران دریای رحمت الهی ببیند و با این پشتوانه نیرومند، با اطمینان و آرامش خاطر و امیدوار به فردایی بهتر در جهت رسیدن به سعادت و کمال خود گام بردارد.

ارجاعات

- ۱- محیی الدین ابن عربی اندلسی عارف مشهور و صاحب مکتب وحدت وجود و ملقب به شیخ اکبر.
- ۲- فصوص الحکم، ص ۵۵.
- ۳- مرصاد العباد، ص ۶۵.
- ۴- کشف الاسرار میبدی، جلد اول، ص ۱۶۳.
- ۵- سوره بقره، آیه ۳۰.
- ۶- مرصاد العباد، ص ۳۵۵.
- ۷- سوره اتعام، آیه ۱۲.
- ۸- سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.
- ۹- ناظم الاطباء، جلد سوم، ص ۱۶۴۰.
- ۱۰- لغت نامه دهخدا، جلد ۲۵، ص ۳۱۲.
- ۱۱- لسان العرب، ص ۱۷۴.
- ۱۲- مفردات الفاظ قرآن و غریب قرآن، ص ۱۹۱.
- ۱۳- کشف اصطلاحات الفنون، به نقل از لغت نامه دهخدا، جلد ۲۵، ص ۲۱۵.
- ۱۴- فصوص الحکم، ص ۶۹۹.
- ۱۵- فرهنگ فارسی دکتر معین، ص ۱۶۴۴.
- ۱۶- المقصد الاسنی، ص ۵۵.
- ۱۷- اسرار الصلوه میرزا جواد ملکی تبریزی، ص ۳۴۲.
- ۱۸- لجه: دریا.
- ۱۹- تفسیر سوره فاتحه الکتاب، ص ۶۱-۶۰.
- ۲۰- تأویل: برگرداندن لفظ بر خلاف معنی ظاهری آن، تعبیر و تفسیر، شرح و بیان.
- ۲۱- شرح تعرف، ربع اول، ص ۲۵۱.
- ۲۲- همان، تعلیقات، ص ۱۸۷۲-۱۸۷۱.
- ۲۳- رساله کشیره، ص ۳۴۳.
- ۲۴- کشف الاسرار میبدی، جلد اول، ص ۳۲.
- ۲۵- همان، ص ۴۳۴-۴۳۳.

- ۲۶- رساله‌های حضرت سیدنورالدین شاه نعمت الله ولی قدس سره ، ص ۱۴۸ .
- ۲۷- محین الدین ابن عربی چهرهٔ برجسته عرفان اسلامی ، ص ۴۳۹ .
- ۲۸- همان ، ص ۳۴۲ .
- ۲۹- سوره نور، آیه ۳۵ .
- ۳۰- سوره اعراف ، آیه ۱۵۶ .
- ۳۱- سوره مؤمن ، آیه ۷ .
- ۳۲- اعیان : عین در اصطلاح عارفان اشاره به ذات شی است که اشیاء دیگر از او ظاهر شوند.
- ۳۳- سوره انعام ، آیه ۱۲ .
- ۳۴- محین الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی ، ص ۳۴۸ .
- ۳۵- فصوص الحکم ، ص ۶۵۷ .
- ۳۶- رابعه عدویه ملقب به امّ الخیر از زنان عارفه .
- ۳۷- اعجاز البیان ، ص ۲۳۷ .
- ۳۸- سوره انعام ، آیه ۵۴ .
- ۳۹- همان ، ص ۲۳ .
- ۴۰- قدم صدق : قدم صدق عبارت است از سابقه نیک و بخشش و عطای بزرگی که حق تعالی برای بندگان صالحش بدان حکم کرده است و صدق یعنی نیک و بهتر از هر چیزی .
- ۴۱- سوره کهف ، آیه ۶۵ .
- ۴۲- ترجمه و متن تکوین ، ص ۱۲۳-۱۲۲ .
- ۴۳- مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز ، ص ۲۵-۲۴ .

منابع و مأخذ :

- آشتیانی ، سید جلال الدین ، تفسیر سوره فاتحه الكتاب ، انجمن حکمت و فلسفه ایران ، ۱۳۶۰.
- ابن عربی ، محیی الدین ، فصوص الحکم ، شرح خوارزمی ، انتشارات مولی.
- این منظور ، لسان العربین دار احیاء التراث العربی بیروت ، ۱۴۰۸ .
- جهانگیری ، محسن ، محیی الدین ابن عربی چهرة برجسته عرفان اسلامی ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۵۹.
- خواجهی ، محمد ، ترجمه اعجاز البیان ، صدرالدین قونوی ، انتشارات مولی ، ۱۳۷۵.
- دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه ، مءسسسه لغت نامه دهخدا ، ۱۳۶۵.
- رازی ، نجم ، مرصادالعباد ، محمدامین ریاحی ، علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۱.
- راغب اصفهانی ، مفردات ، کتابفروشی مرتضوی ، ۱۳۶۲.
- غزالی ، امام محمد ، المصد الأسنی ، مترجم احمد حواری نسب ، نشر احسان ، ۱۳۷۵.
- فروزانفر ، بدیع الزمان ، ترجمه و متن فکوک ، محمد خوارزمی ، انتشارات مولی ، ۱۳۷۱ .
- لاهیجی ، شیخ محمد ، مفاتیح العجاز فی شرح گلشن راز ، انتشارات محمودی .
- مستملی بخاری ، اسماعیل ، شرح تعرف لمذهب التصوف ، محمد روشن ، ۱۳۶۳.
- معین ، محمد ، فرهنگ فارسی معین ، امیر کبیر ، ۱۳۸۱.
- میبدی ، ابوالفضل رشید الدین ، کشف الاسرار و علیه الابرار ، علی اصغر حکمت ، امیرکبیر ، ۱۳۷۱.
- نوربخش ، جواد ، رسائل حضرت نورالدین شاه نعمت الله ولی ، ناشر خانقاه نعمت اللهی ، ۱۳۷۵.
- نفیسی ، علی اکبر ، فرهنگ نفیسی (ناظم الاطباء) ، کتابفروشی خیام ، ۱۳۶۰.